

عمان و شیعیان آن

عمان سرزمین وسیعی در بخش شرقی و جنوب شرق شبه جزیره، شامل یک سرزمین بزرگ به هم پیوسته و بخشی کوچک اما مجزا در شمال غرب آن، و جمعاً شامل ۳۰۹۵۰۰ کیلومتر مربع است. جمعیت این کشور در حدود سه میلیون نفر می باشد.

مسقط پایتخت آن از زیباترین بنادر جهان و مرکز سیاسی این کشور است. شهر قدیمی مسقط که یونانی ها به آن لقب بندر مخفی داده بودند، به وسیله یک دیوار قدیمی محصور شده است. مسقط به دلیل موقعیت سوق الجیشی خود به ویژه در پانصد سال گذشته، از اهمیت سیاسی اقتصادی بسیار بالایی برخوردار بوده است.

عمان از سال ۱۹۷۰ تحت رهبری و سلطنت سلطان قابوس اداره می شود. قبل از وی پدرش سعید بن تیمور حاکم عمان طی سالهای ۱۹۳۸-۱۹۷۰ بود که پسر با یک کودتا حکومت را از وی گرفت.

نقشه شماره ۱۹۰: شیعیان در عمان



این کشور یک «شورای کشور» دارد که از سال ۱۹۹۷ به این سو، در اداره کشور سهیم است. وجود نام های ایرانی در این کشور مثل قابوس و تیمور مؤید این مطلب است که فرهنگ عمان بیش از سایر کشورهای همسایه اش با ایران نزدیک است.

این کشور در حال حاضر کشوری ثروتمند با جامعه ای عشیره ای اما رو به دگرگونی است. ساکنان آن قبایل عربی بوده و نزدیک به دویست قبیله در آن زندگی می کنند.

از کهن ترین روزگار تاکنون عمان کشوری متعلق به خوارج اباضیه بوده و به دلیل دور بودن آن از مراکز قدرت اموی و عباسی، همواره مذهب خویش را نگاه داشته است. یاقوت در اوائل قرن هفتم روی این مطلب تأکید دارد که هیچ غیر خارجی در این دیار وجود ندارد. البته نام «خوارج» برای آنان خوشایند نیست و دوست دارند «اباضیه» نامیده شوند. این کشور تنها کشوری است که به طور کامل اباضی مذهب است.

در حال حاضر امام موجود و منصوب از سوی سلطان قابوس، ولایت مذهبی جامعه را بر عهده دارد و دولت با تمام امکانات، از این مذهب و انتشار آن حمایت می کند. در عین حال در این کشور نوعی آزادی مذهبی برای فرقه ها و ادیان دیگر وجود دارد که کمتر مانند آن را در سایر کشورهای سواحل جنوبی خلیج فارس می توان دید. به علاوه در انتخاب افراد برای مسئولیت ها معیار مذهبی کمتر مطرح بوده و تلاش می شود تا کارها بر اساس شایستگی از میان مردم با هر مذهب و مسلکی واگذار شود. چنان که در کابینه، افراد شیعه مذهب هم وجود دارند. روند کلی جاری سیاست این کشور جلوگیری از بروز اختلافات مذهبی در صحنه اجتماعی و سیاسی عمان است. تنوع فرهنگ مذهبی عمان متأثر از رفت و آمدهای فراوانی است که در این ناحیه از سوی مهاجران و مسافران اطراف به خصوص هندوها صورت گرفته است، به طوری که آن ها در طول قرون آثاری از خود برجای گذاشته اند. این فرهنگ تا استان بزرگ حضرموت که در یمن واقع است، نفوذ کرده است.

مسجد بزرگ امام علی (ع) در مسقط، ویژه شیعیان و بسیار زیباست و نماز جمعه و سایر مراسم مذهبی در آن برگزار می شود.

حضور شیعیان در کشور عمان سابقه ای طولانی دارد. اما اطلاعات تاریخی دقیقی درباره آنان در دست نیست. در میان شهرهای ساحلی و در میان بازرگانان شهرهای عمان، شیعیان فراوانی وجود دارند. بیشتر آنان در نواحی باطنه زندگی می کنند؛ منطقه ای که حد فاصل لواء تا مسقط را دربرمی گیرد.

شیعیان عمان به سه گروه بزرگ تقسیم می شوند:

۱- **لواتیه:** این گروه شیعیانی هستند که اجداد آنان، به دنبال درگیری با خوارج از عمان به هند رفتند و بعدها مجدداً به این مناطق بازگشتند. بیشتر آنان از ناحیه حیدرآباد هند به عمان و مسقط آمده اند. این گروه بیشترین شیعیان را از جهت جمعیتی داشته و به لحاظ مالی از ثروتمندترین اقشار این کشور به شمار می آیند. تعدادی از آنان صاحب مناصب دولتی در حکومت عمان هستند. چنان که این جماعت، بخش بزرگی از بازار مسقط و عمان را در اختیار دارند. آنان گروهی تحصیل کرده و کارآمد بوده و به همین دلیل توانسته اند در این کشور نفوذ قابل ملاحظه ای داشته باشند. گروه یاد شده به اسم خوجه ها، لواتی ها و حیدرآبادی ها معروف اند و از چند نسل قبل تاکنون در منطقه سکونت دارند. شهر مطرح محل سکونت آنان بوده و تاریخ در ورودی آن سال ۱۰۵۵ / ۱۶۴۵ را نشان می دهد. آنان مسجدی اختصاصی در کنار ساحل دارند.

۲- **بحارنه:** ستمگری برخی از امیران گذشته در مناطق احساء و قطیف و نیز جنوب ایران، سبب مهاجرت شماری از شیعیان ساکن بحرین و نواحی آن در سمت عربستان فعلی، به نقاط دور دست در عمان شده است. در کنار آن، انگیزه مهاجرت برای معیشت و اقتصاد نیز باید ضمیمه شود. اصولاً در حدود سه قرن پیش بحرین مورد حمله حکومت عمان قرار گرفت و مدتی در اختیار آن دولت بود. نوشته اند که عده ای از بحرینی ها در این جریان به عمان کوچ کردند. به هر روی، نتیجه آن حضور شماری از مهاجران شیعه در سواحل عمان، امارات و قطر است. بحارنه کوچک ترین جامعه شیعی عمان و در عین حال از موقعیت سیاسی و اقتصادی خوبی برخوردار هستند. این گروه به رغم اندکی، دارای موقعیت برجسته ای در این کشور هستند. احمد بن نعمان کعبی نخستین سفیر عمان در امریکا شیعه بوده و خانه او که بعدها ماتمسرای شیعیان (حسینیه) نامیده شده، در سال ۱۸۶۱ میلادی ساخته شده است.

۳- **عجمی ها:** اینان مردمان شیعه ای هستند که از ایران به عمان آمده و غالباً از اهالی لار، بندرعباس، اروند، رودون و برخی از مناطق بلوچستان هستند.

این گروه بیشتر در اطراف مسقط، مطرح و حومه آن ساکن هستند. شماری هم در مناطق مختلف باطنه و تعداد محدودی در منطقه مسندم و در شهر ساحلی صور زندگی می کنند. این گروه در حال حاضر در باطنه و مسقط دارای مساجد و حسینیه و مؤسسات خیریه مانند صندوق های قرض الحسنه و کمک به ایتم و ادارات اوقاف جعفری هستند. عجمی ها به عنوان

یکی از مهم ترین گروه های شیعه در عمان بوده و کسانی از ایشان در دولت عمان صاحب منصب هستند. چنان که در اقتصاد نیز نفوذ چشمگیری دارند. انتخاب وزیر بازرگانی و صنعت و اقتصاد صنعتی از میان آنان شاهی بر این مدعاست. با این حال بخش زیادی از آنان به کارهای ساده مشغول هستند. در طول این سالها، مشاغل در حد معاون وزیر و نیز وزارت برای شیعیان وجود داشته که در درجه نخست از لواتی ها و سپس از بحارنه و عجمی ها است.

شیعیان در کشور عمان یکی از نیروهای تأثیر گذار در این جامعه به شمار می روند و به عنوان شهروندانی منظم و مؤدب شناخته شده اند. انتخاب نوار ساحلی ۴۰۰ کیلومتری باطنه برای محل سکونت از سوی شیعیان سبب شده است تا آنان در بیست شهر و تعداد زیادی روستا از جمله مسقط، مطرح، خوض، برکه، مصنعه، سویق، خابوره، صحم، لوی، مسندم و... حضوری قوی و فعال، در صحنه اقتصادی داشته باشند.

به طور کلی، دولت پادشاهی عمان با اصل قرار دادن نوعی تسامح دینی و مذهبی، نه تنها به شیعیان بلکه به مسیحیان و هندوها و سایر ادیان نیز برای انجام اعمال مذهبی و ساختن معابد آزادی داده است.

شیعیان عمان به لحاظ فرهنگی، جامعه ای شناخته شده بوده و سهم قابل توجهی در عمان دارند. شیعیان که جمعیت آنان تا حدود یک صد هزار نفر برآورد می شود، دارای شمار قابل توجهی تحصیل کرده می باشند. به علاوه، آنان با اقوام دیگر نیز روابط خوبی داشته و در گفتگوها و بحث های دینی و مذهبی در میان گروه های مختلف مشارکت دارند. هر چند در گذشته، دیدگاه های خوارج اباضی نسبت به اهل بیت مناسب نبود، اما در حال حاضر با انکار آن مواضع، تلاش دارند تا دیدگاه های بهتری نسبت به اهل بیت (ع) داشته باشند. به همین دلیل شاعران اباضی مذهب، قصاید و مدایح گوناگون در مدح و ثنای اهل بیت (ع) سروده اند. به علاوه در برخی از اوقات از اسامی امامان برای فرزندان شان استفاده می کنند. این موارد زمینه همدلی بیشتر میان آنان و شیعه را فراهم کرده است.

در طول دهه های گذشته، از پیش از انقلاب اسلامی ایران و بعد از آن، همواره روحانیونی از ایران یا بحرین در عمان ساکن بوده و امور مذهبی را اداره می کنند.

یک نویسنده دریانورد عمانی با نام شهاب الدین احمد بن ماجد از شیعیان عمان است که آثار فراوانی در موضوع دریانوردی دارد. وی شیعه بوده و اشعاری در باره فضائل امام علی (ع)

دارد که از آن جمله منظومه ای است که در سال ۱۴۶۲/۸۶۶ در شهر جلفار عمان سروده و آن را در روز غدیر به پایان برده است. در بندی از آن آمده است:

تمت بشهر الحج فی جلفار***اوطان اسد البحر فی الاقطار

یوم الغدیر ابرک الایام***اذ خصّ بالاحسان و الصیام

که اشاره به تاریخ اتمام این منظومه در ماه ذی حجه و در روز غدیر دارد.

یکی از کهن ترین فقهای شیعه با نام ابن ابی عقیل عمانی نیز از شیعیانی است که در قرن چهارم می زیسته است. وی به همراه ابن جنید دو فقیه بسیار قدیمی شیعه و معاصر کلینی (م ۳۲۹) یا اندکی پس از آن هستند.

تشیع در یمن (تشیع زیدی)

تشیع یمن، با تشیع زیدی شناخته می شود و به رغم آن که در مباحث مقدماتی، اندکی در باره فرقه های زیدیه گذشت، در اینجا، بار دیگر بحث را با شرحی در باره این فرقه شیعی آغاز می کنیم و به سرعت از آن عبور می نماییم.

مذهب زیدیه در کنار امامیه و اسماعیلیه یکی از سه شاخه اصلی تشیع به شمار می آید. این شاخه به طور معمول اعتقادی به نص جلیّ یا حدیث روشن و صریحی که دلالت بر امامت امام علی علیه السلام داشته باشد، ندارد، بلکه بر این باور است که امام علی علیه السلام برحسب ویژگی های برتر، از طرف رسول خدا (ص) برای امامت مناسب تشخیص داده شد. البته باور همه زیدیه چنین نیست، اما باور یاد شده بر آنان غلبه کرده است. گرایش کلی زیدیه به عدم انتقاد صریح از دو خلیفه اول و دوم، این تصور را پدید آورده که آنان نزدیک ترین فرقه شیعه به اهل سنت هستند.

گرایش زیدیه به لحاظ مذهبی منتسب به زید بن علی بن حسین (ع) (۸۰ - ۱۲۲) است که در کوفه قیام کرد و به شهادت رسید. وقتی در گیرودار جنگ، نظر وی را درباره خلیفه اوّل و دوم پرسیدند، وی به هدف جذب کوفیان - که غالباً آن دو را قبول داشتند - گفت: نسبت به آنان مسأله ای ندارد. همین امر سبب شد تا امامیه از اطراف وی پراکنده شوند. افراد باقی مانده، در چهارچوب همان اظهارنظر و اندیشه های دیگری که به مرور در زیدیه پدید آمد، مرام زیدی را ادامه دادند. در این گرایش، امامت حق انحصاری علویان شناخته شد، اما از نگاه آنان تنها کسی از میان علویان حق امامت دارد که شمشیر به دست گرفته و قیام کند. به همین دلیل نوعی تنوع

در امامت زیدی در نقاط مختلف پدید آمد، چنان که قیام های مکرری صورت گرفت. این درحالی بود که امامیه اولاً قائل به نصّ بود و ثانیاً آن را میان دوازده امام می دانست و ثالثاً یکی از شرایط امامت را نه قیام بلکه صبر می دانست.

زیدیه پس از زید

زیدیان پس از زید، در شش جریان سیاسی - مذهبی در مناطق مختلف امتداد یافتند:

الف: جریان نفس زکیّه و برادرش ابراهیم که در سال های ۱۴۵ - ۱۴۶ در مدینه و بصره قیام کردند. شماری دیگر از قیام گران علوی هم در عراق و ایران در امتداد همین گرایش بودند. از آن جمله شهید فخر، حسین بن علی که در سال ۱۶۹ قیام کرد. برای این گروه هیچ نوع مبانی اعتقادی روشن در تاریخ بیان نشده و در جمع، آنان پیرو سنت جدّشان امام علی علیه السلام و معتقد به امامت حسنین علیهما السلام بودند.

ب: جریان زیدیه در شمال ایران که با قیام حسن بن زید در سال ۲۵۰-۲۵۱ آغاز شد و اطراف آن تعداد زیادی قیام دیگر صورت گرفت و در نهایت منجر به تشکیل دولت زیدی در طبرستان شد. این جریان اندکی تولیدات فکری و فقهی هم داشت که عمده آن متعلق به ناصر اطروش بود. فهرستی از آثار وی را ابن ندیم آورده و تفسیر او در ادوار بعد مورد استفاده شماری از زیدیه بوده است. جامعه زیدی طبرستان تکاپوی فکری زیادی در قرون بعد نداشت. گرچه آثاری از این قرون نیز در دست است که نمونه آن تفسیر ناصر ابوالفتح دیلمی است. زیدیان دیلمی همواره از آثار زیدیه عراق و یمن بهره می بردند. این گروه تا قرن یازدهم هجری در برخی از نواحی طبرستان باقی ماندند. قبور برخی از امامان آنان مانند مؤید بالله هارونی و ناصر اطروش تاکنون پابرجاست.

ج: زیدیه یمن که از اواخر قرن سوم هجری کارشان را آغاز کرده و دولتی در یمن تشکیل دادند. میان زیدیه طبرستان و یمنارتباط نزدیکی برقرار بود. درباره زیدیه یمن توضیح خواهیم داد.

د: ادریسیان در افریقا، (شرح آن در جای خود آمده است).

هـ: شرفای مکه و مدینه که در غالب موارد زیدی یا امامی بودند اما به دلیل تسلط دولت های بزرگ دیگر، ثبات مذهبی نداشتند. درباره دو گروه اخیر در جای خود بحث کرده ایم.

ز: زیدیه در عراق که بیشتر فرهنگی ماندند و شماری کتاب حدیث و امالی نوشتند. این میراث بیش از همه از کوفه آغاز شد و بعدها در بغداد به صورت محدود ادامه یافت. علاوه بر عراق در شهرهای دیگر به خصوص منطقه خراسان و ری نیز زیدیان فراوانی می زیستند و مبنای مرام زیدیه را تبیین کردند. این جماعت به نوعی واسطه میان تشیع و تسنن بوده و روزگاری به آنان معتزلی - شیعی اطلاق می گردید. بیشتر آنان در اواخر قرن سوم و بعد از آن، اصول کلامی - معتزلی و فقه حنفی - شیعی آن را تدوین کردند. تولیدات حدیثی و فقهی زیدیه در اواخر قرن دوم تا قرن چهارم در عراق متعدد بود، آثاری که به تدریج به یمنانتقال یافت. از آن جمله کتاب امالی احمد بن عیسی بن زید، اثری معروف و مشهور است.

نفوذ اعتزال و فقه حنفی در زیدیه

زیدیه در مقایسه با امامان شیعه امامیه، چندان کار فکری نکردند. به همین دلیل در اصول فکری و فقهی خود متأثر از معتزله و حنفی ها بودند. دلیل آن نیز همراهی شماری از رهبران آن مذاهب با قیام های زیدی بود. با این حال و به رغم نفوذ اعتزال در کلام زیدی و نفوذ فقه حنفی در میان آنان، روح کلی حاکم بر زیدیه «شیعی» است. از نظر آنان، امامت صرفاً حق فرزندان فاطمه است و هرکسی از آنان که شمشیر دست گرفته و قیام کند، عنوان امام بر او صدق خواهد کرد. یکی از دلایل وجود نبردها و قیام ها و شورش ها و جنگ ها در میان زیدیه باور آنان به همین اصل است که قیام بر ضد ظلم و جور توسط یک علوی رواست. از آنجا که شمار علویان فراوان بود، هر کدام که موقعیتی به دست می آوردند، در هر منطقه، بر ضد حاکم شورش می کردند. آنان براساس باورشان به این که وجود ظلم توجیه کننده قیام مسلحانه است، با متهم کردن حاکم به فسق، حتی علیه یکدیگر نیز دست به قیام می زدند.

علاوه بر دیدگاه آنان درباره علویان، برخی از مسائل فقهی آنان از جمله اذان آنان مشتمل بر جمله «حیّ علی خیرالعمل» است، چیزی که در طول تاریخ به عنوان یک شعار شیعی ثبت شده است.

تقریباً همه قیام هایی که به نام قیام های علوی در قرن دوم تا چهارم شناخته می شود، قیام هایی است که یا زیدی است یا منسوب به زیدیه. این در حالی است که امامیه، اعتقادی به قیام به این سبک و سیاق نداشت و خط دیگری را در پیروی از امامان معصوم (ع) دنبال کرد. از میان گرایش های موجود در مذهب زیدی، آن چه در یمن استقرار یافت مذهب جارودی بود. این

مذهب از میان دیگر مذاهب زیدی از باورهای اهل تسنن دورتر و نسبت به خلفای نخست دید انتقادی تری داشت. چنان که در قرن ششم ادعا شده است که در یمن زیدی غیرجارودی وارد نشده است (الحر العین: ۵۶).

بیشتر احادیثی که زیدیه برای شناخت مذهب به آن ها استناد می کردند احادیث اهل بیت (ع) به ویژه روایاتی بود که در مسند امام زید روایت شده بود. در مقاطعی از تاریخ زیدیه به اهل سنت نزدیک شدند؛ اما در حال حاضر با یک جنبش استقلال خواهی مذهبی از سوی زیدیه روبرو هستیم.